



دقیق پرس

گفت و گو با عبد‌الله فاتحی، به بهانه انتشار مجموعه ۵ جلدی با عنوان جهاد سازندگی

نقش بی بدیل جهاد سازندگی در دفاع مقدس

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

شکل‌گیری حرکت جهادی برای سازندگی پیشینه‌ای عقب‌تر از پیروزی انقلاب و تأسیس نهاد جهاد سازندگی دارد. تا آن‌جا که شاید بتوان برای آن تاریخی به طول نهضت مردم ایران در نظر آورد؛ تاریخی که همچون پدیده‌های مردمی بخشی از آن تاریخ شفاهی است. نسل انقلاب به‌خوبی به یاد دارد که جهادسازندگی ابتدا یک اهتمام همگانی و آمیخته با روح ملی بود. از این رو از صبح پیروزی انقلاب گروه‌های خودجوش که یکدیگر را در انجمن‌های دانشجویی یا هیأت‌های مذهبی و مساجد و... یافته بودند باهم قرار گذاشتند تا برای سازندگی عقب ماندگی‌های زندگی جمعی بر اثر غفلت‌های رژیم شاه به مناطق محروم و دورافتاده و روستایی بروند و با کار جهادی و ایثار گرانه طمع‌زدگی یکسان با مردم و مناطق پرخوردار را به هم‌گمان بچشاندند. مهندس عبد الله فاتحی که خود از بنیانگذاران اولیه این حرکت سازنده و مردمی است در اقدامی شایسته به تدوین تاریخ و خدمات جهادگران جهادسازندگی که پرداخته و کار بر جسته و جهادی مردان و زنان جهادگر در طول ۸سال دفاع مقدس و قبل و بعد از آن را در ۵ جلد ثبت و منتشر کرده است. این مجموعه افتخارات این نهاد را به شکلی مطلوب تدوین نموده و در دسترس عموم قرار گرفته است. به همین مناسبت «ایران» گفت‌وگویی با ایشان انجام داده است که از پی می‌آید.

▪ چه نسبتی میان جهادسازندگی و شعارهای انقلاب وجود داشت که از جمله اولین نهادهای شکل گرفته بعد از انقلاب، چه به‌صورت خودجوش و مردمی و چه به صورت رسمی، جهاد سازندگی بود؟
شعارهای انقلاب اسلامی به طور مشخص حول و حوش چند محور اساسی بود. از جمله مبارزه با نظام شاهنشاهی، مبارزه با ظلم و استبداد، مبارزه با اشرافی‌گری و مبارزه با فقر و محرومیت و تأمین آزادی‌های سیاسی، شعارهای انقلاب را شکل می‌دادند. در این بین مبارزه با اشرافی‌گری و سرمایه‌سالاری غربی، یکی از شعارهای اصلی می‌گرفت. شما با همه گروه‌های مبارزو ضد نظام شاهنشاهی روی آن تأکید داشتند، ترکیب جمعیت شهری به روستایی در کشور قبل از پیروزی انقلاب سی و پنج به شصت و پنج بود و این به معنی آن بود که بخش ۶۵ درصدی جمعیت کشور در مناطق روستایی و عمدتاً محروم زندگی می‌کردند. به همین دلیل در شهرهای بزرگ حاشیه نشینی و حلی‌آبادها شکل می‌گرفت. شما با همه گروه‌های کوچتاهی از شهرهای بزرگ و حتی پایتخت می‌توانستید این فقر را ببینید، روستاهای ما که دوسوم جمعیت کشور را در خود جای داده بود، فاقد هر گونه امکانات رفاهی و حتی

و محرومیت‌ها و فقرمطلق در جای‌جای کشورمان بود. فعالیت‌های جهادسازندگی توسط نیروهای انقلابی و دانشجویان مسلمان غیررسمی آغاز شده بود تا اینکه پس از انسجام جهادگران و جمع‌بندی تجربیات در ۲۷ خردادماه ۱۳۵۸ توسط امام خمینی تأسیس نهاد جهادسازندگی رسماً اعلام شد.
▪ فعالیت‌های جهادی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب چه ضرورتی داشت و با چه رویکردی آغاز شد؟

تأسیس نهاد جهادسازندگی در واقع ایجاد یک ظرفیت بود برای شکل دهی و ساماندهی همه فعالیت‌های پرانکند نیروهای انقلابی که در زمینه فقرزدایی و محرومیت زدایی فعالیت می‌کردند و یک اقدام منحصر به فرد برای حضور آحاد مردم کشور در کمک‌رسانی به محرومان و از نظر سیاسی نیز حضور مردم در صحنه‌های انقلاب بود. جهادسازندگی نهادی بود که مأموریت داشت همه اقشار مردم بخصوص جوانان و دانشجویان و دانش‌آموزان را در خود جای دهد و برای هریک از اقشار مردم اعم از استاد، دانشجو، شاغل آزاد، کارمندان، کارگران، کشاورزان و حتی زنان جامعه برنامه‌ریزی کند و در جهت بهره‌برداری از ظرفیت‌های به‌وجود آمده برای رفع محرومیت اقشار مختلف وارد عمل شوند. لذا مهم‌ترین رویکرد جهادسازندگی مردمی بودن، خالصانه کار کردن، اهمیت دادن به هدف اصلی و پرهیز از بوروکراسی اداری و تشریفات زائد اداری بود، در پیام امام خمینی (ره) برای تشکیل جهادسازندگی چند نکته اساسی وجود دارد؛ اینکه ما باید متعهد بشویم به مردم... ما باید به همت ملت آن خرابی‌ها را ترمیم کنیم، ناچاریم که به ملت متذکر بشویم برای سازندگی... همه باهم باید تشریک مساعی می‌گرفتند و این ایران را که خراب شده است بسازند... همه موافق باشند که در این جهادسازندگی شرکت کنند و آن خرابه‌ها را بسازند و برادران خودشان را کمک کنند که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد،

یاد کردی از سردار شهید مصطفی طالبی فرمانده عملیات لشکر ۴ بعثت

ققنوس روزهای سخت جنگ

سمیه مظاهری
خبرنگار

زندگی پررنجی دارند؛ به سختی نفس می‌کشند، زخم‌هایشان عمیق است آنقدر که جگرش را آب می‌کند. سرفه، خس‌خس و تنگی نفس؛ همدم و همراه همیشگی‌شان و یادگار از جنگ است. پا به سن که می‌گذارند زخم‌هایشان تازه می‌شود. از درد مجال‌ه می‌شوند، اما خم به ابرو نمی‌آورند. مرد روزهای سختند؛ روزهایی که نگذاشتند کابوس شوم جنگ بر خواب‌ناز فرزندان این سرزمین سایه اندازد. شیمیایی شدند و درد را به جان خریدند تا از انقلاب و وطن دفاع کنند. مثل «مصطفی طالبی» سردار شهدای شیمیایی استان همدان که تیر و ترکش و شیمیایی جزئی از وجودش شده بود. متولد ۱۳۳۹ بود در شهر ملایر و خانواده‌ای با شش پسر که چهار نفرشان به‌طور همزمان در جبهه بودند. وی در عملیات‌های بسیاری حضور داشت. مطلع الفجر، والفجر مقدماتی، بدر، خیبر، رمضان، بیت المقدس، فتح المبین، والفجر ۲، والفجر ۴ و ۵، کربلای ۴ و ۵، والفجر ۸ و مرصاد.

اخلاص، ایمان محکم و قدرت نظامی بالا سبب شد تا مسئولیت‌های متعددی را به او واگذار کنند. فرماندهی گردان ۱۵۱ مسلم ابن عقیل (ع) لشکر ۳۲ انصار، جانشین فرماندهی عملیات قرارگاه نجف، فرماندهی عملیات تیپ ذوالفقار، فرماندهی محور

لشکر ۳۲ انصار، فرماندهی قرارگاه شهید کاظمی و فرماندهی عملیات لشکر ۴ بعثت. مبارزه‌ای همراه با تحمل مصدومیت‌های متعدد و خونریزی ریه و جراحت شیمیایی. خودش می‌دانست چه دردی بر وجودش سایه انداخته، اما دم نمی‌زد تا اینکه در پاییز ۷۲ بیماری‌اش اوج گرفت. سرطان ارمغان شوم جنگ برای مصطفی بود و تا ۳۱ خرداد ۱۳۷۴ که مظلومانه پر کشید؛ مشغول درمان بود. او را «سردار شهدای شیمیایی استان همدان» می‌نامند چون در بین افرادی که بر اثر عوارض ناشی از شیمیایی به شهادت رسیدند؛ از نظر درده نظامی بالاتر است.

▪ **در آواز مجال‌ه کرده بود**

مرکز ان کشورزبان همسر
صیورش او را این‌طور روایت می‌کند: «از مصطفی برایم دو پسر و یک دختر به یادگار مانده و انبوهی از خاطرات تلخ و شیرین. هجده ساله بودم که با مصطفی ازدواج کردم. در سپاه خدمت می‌کردم و یکی از دوستانمن من را به او معرفی کرد. وقتی به خواستگاری‌ام آمد، خانواده‌ام نگران بودند که شاید نتوانم در این زندگی دوام بیاورم چون پدرم از ملاکان بزرگ ملایر بود و دو خانواده از نظر اقتصادی باهم فاصله طبقاتی داشتیم، اما وقتی رضایت من را دیدند، موافقت کردند. مهربام یک جلد قرآن و یک سکه بود. زندگی ساده، اما پر محبتی را آغاز کردیم. در سرکوبی غائله کردستان آسیب جدی دید و شتوایی یکی از گوش‌هایش را از دست داد.

▪ **سهناز طالبی**
خواهر شهید هم می‌گوید: «دو برادرم در دوران دفاع مقدس به شهادت

بادقت مناسب پیش می‌رفت چون هر یک از طرح‌ها یک ناظر و طراح متخصص مقیم داشت که بر همه طرح‌ها و فعالیت‌ها نظارت داشت. ما وقتی از رویکرد جهادسازندگی صحبت می‌کنیم باید بگوییم در واقع رویکرد مردم محور بود. بدین معنی که در گذشته که با حضور در دفاتر جهادسازندگی در سراسر کشور روستاییان برای هریک از درخواست‌ها و کارهای خودشان باید به ادارات مختلف در شهرها مراجعه کنند و در چرخه نامحدود و بی‌انتهای گرفتن مجوزها گرفتار هستند و در آخر با دست خالی به روستا بازمی‌گردند. درحالی‌که رویکرد جهادسازندگی برعکس این مجوزمحوری و دیوانسالاری بود. به این معنا که نیروهای جهادسازندگی خودشان در روستاها حضور پیدا می‌کردند و مجوزها را در همانجا صادر کرده و همه امکانات را برای روستاییان فراهم می‌کردند و در صورت لزوم آموزش‌های فنی به روستاییان می‌دادند و اصلاً نیازی به مراجعه چندین باره یک روستایی برای انجام کار تولیدی در روستای خودش نبود.

▪ **جهاد با چه تحلیل و مأموریتی وارد جنگ تحمیلی شد؟**

حضور جهادسازندگی و نیروهای جهادگر در جنگ تحمیلی ۸ ساله با انگیزه دفاع از کبان اسلامی و کشور بود در زمانی که نیروهای رژیم بعثی عراق به کشورمان حمله کردند (۱۳۵۹/۶/۳۱) بخشی از نیروهای جهادگر در مرزهای جنوبی و غربی کشورمان در روستاهای مرزی در حال خدمات‌رسانی به روستاییان بودند که با حمله دشمن به مرزهای کشورمان جهادگران نیز همانند سایر برای ثواب می‌خواهید بروید مکه مشرف بشوید، می‌خواهید بروید مدینه منوره، عتبات عالیات مشرف بشوید امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید نیست و این سازندگی را همه باهم شروع کنید که ایران خودتان ساخته بشود و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند... همین پیام امام خمینی (ره) رویکرد اصلی بود و شعار اصلی جهادسازندگی (همه باهم جهادسازندگی) از همین پیام امام استخراج شد و در آرم جهادسازندگی جای گرفت. البته باید اذعان داشته باشیم جوانان و نیروهای جهادسازندگی باوجود ساده زبستی و مردمی بودن از بهترین دانشجویان و اغلب افراد نخبه بودند که با انگیزه انقلابی وارد جهادسازندگی شدند و وجود همین نیروهای نخبه و برجسته علمی و تجربی بود که جهادسازندگی توانست درمدت عمر کوتاه خود با سازماندهی بی‌نظیر و با استقرار نیروهای خود در دورافتاده‌ترین نقاط محروم کشورمان بیشترین خدمات را ارائه کند. جهادسازندگی برای اجرای خدمات خود واحدهای تخصصی از جمله کمپته عمران، کمپته بهداشت و درمان، کمپته برق‌رسانی روستایی، کمپته ابرسانی، کمپته فرهنگی آموزشی، کمپته کشاورزی، کمپته امور دام و کمپته صنایع روستایی را ایجاد کرد و هر یک از جهادگران بنا به تخصص و علاقه خود در یکی از این کمپته‌ها فعالیت می‌کردند. نکته مهم دیگر اینکه سازوکار اداری جهادسازندگی نیز یک سازوکار منحصر به فرد بود به این معنی که علاوه بر نیروهای دائمی جهادسازندگی با ظرفیت‌سازی و برنامه‌ریزی خوبی که انجام شده بود، نیروهای مردمی متناسب با توان تخصصی و وقت‌شان می‌توانستند در طول ماه یا هفته در مناطق مختلف حضورداشته باشند و در طرح‌ها و برنامه‌های جهادسازندگی مشارکت کنند. از این رو طرح‌های عمرانی و کشاورزی با کمترین هزینه و کمترین زمان و

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

مهمات، ۱۶هزار و ۲۷۰ مورد احداث سنگرهای بزرگ اجتماعی و ایستگاه صلواتی و ۱۵ هزار مورد تعمیرات ادوات راهسازی، نیروهای سپاه وارتش توانسته است نقش بی‌بدیلی دره سال دفاع مقدسمان از خود برجای بگذارد.

▪ **اثر ۵ جلدی شما در رابطه با تاریخ وعملکرد جهاد شامل چه سرفصل‌هایی بوده و دارای چه ویژگی‌هایی است؟**

مجموعه کتاب ۵ جلدی اینجانب با عنوان جهادسازندگی است که جلد اول آن در تیخچه تشکیل جهادسازندگی اختصاص دارد وعناوین اصلی آن عبارت است از ضرورت تشکیل جهادسازندگی، زمینه‌ها و شرایط اجتماعی تشکیل جهادسازندگی، وضعیت مناطق محروم پیش از انقلاب اسلامی، مقدمات تشکیل جهادسازندگی، ترور جهادگران (شهدای سازندگی) انقلاب و ضرورت تغییرنهادی، سیر تحول جهادسازندگی وامهات فعالیت‌های آن، دوره دیوانسالاری زدایی، دوره دیوانسالاری شدن، رویکردها و دستاوردها، تشریح وقایع و زمینه‌های تشکیل جهادسازندگی، تشکیل کمیته‌های سازندگی روستایی، ویژگی‌های حرکت جهادی، تصویب قانون اساسی وجهادسازندگی، شکل‌گیری جهادسازندگی همزمان در سراسر نقاط کشور، فعالیت‌های جهاد درمناطق محروم، توسعه صنایع روستایی، احداث راههای ارتباط روستایی، واحدهای تولیدی گروهی و تعاونی‌های تولیدی، شورای اسلامی روستا، هیأت‌های هفت نفره واگذار زمین، همزیستی جهادگران با مردم، نقش زنان در فقرزدایی روستاها و آموزش‌های فرهنگی به زنان روستایی، بیان دیدگاه‌های توسعه روستایی، اساننامه طرح جهادسازندگی روستاها،



روستاییان و اقشار مردم وقتی روحیه وانگیزه انقلابی و اخلاص و اعتقاد و ایمان بچه‌های جهاد را دیدند با اولین فراخوان به جبهه‌های نبرد شتافتند تا اینکه تشکیلات پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد پس از سپاه و ارتش به‌عنوان رکن سوم جنگ بیشترین نیرو (بیش از ۵۴۰ نفر اعزامی) به جبهه‌های جنگ را داشت

تقدیم کشورمان کرده است. همچنین جهاد علاوه بر حضور در شب‌های عملیات برای سنگرسازی و ایجاد جان‌پناه برای رزمندگان توانسته است اقدام به احداث ۳۴۰ کیلومتر درمستحکم، بیش از ۱۵ هزار پاسگاه عملیاتی و دیده بان‌ی، ۱۰۰۳ مورد احداث سایت موشکی و سکوی ادوات نظامی و پدافند هوایی، باند هلی کوپتر و دکل دیده بان‌ی، ۳۷۰ هزار و ۳۰۰ مترمربع محوطه‌سازی و ایجاد قرارگاه‌های تاکتیکی و مقرر گردان‌ها و یادگان‌ها، ۸۷ مورد بیمارستان و اورژانس صحرایی، ۶۶۴ مورد ایجاد مواضع نوبخانه و مقرهای نوبخانه، ۱۷۳ هزار و ۷۸۱ مورد احداث سنگرهای انفرادی و اجتماعی و سنگرهای خودرو و مهمات و تانک و نفربر، ۲۸ هزار و ۱۰۰ مورد احداث انواع پل‌های نفر رو، بشکه‌ای، لوله‌ای فلزی، بتنی، و... ۱۴۷ مورد احداث سدخاکی واسکله خاکی، ۷۷ هزار و ۳۲۵ کیلومتر احداث جاده‌های عملیاتی و مواصلاتی و نفوذی و کوهستانی، بیش از ۱۰۰ هزار کیلومتر شن‌ریزی جاده‌ها، ۱۲۰ هزار و ۴۴۲ متر احداث کانال نفرو، ۱۵ هزارمورد لجستیک و حمل و نقل و

در حال اجرای طرح‌های جهادی بودند و بلافاصله با شنیدن خبر حمله دشمن به مرزهای کشورمان از همان روز دوم جنگ بلافاصله خودشان را به مناطق جنگی رسانده و به یاری رزمندگان و نیروهای مسلح شتافتند. این گروه از جهادگران که عمدتاً از مهندسین و نیروهای فنی و متخصص بودند با امکانات و تجهیزات و ماشین‌آلات مهندسی خودشان را به مناطق جنگی رساندند و شروع کردند به دفاع از مرزها با ایجاد مواضع طبیعی و ساخت سنگر و جاده و استحکامات برای رزمندگان که می‌توان از مهم‌ترین این فعالیت‌ها ایجاد خندق به دور شهرها و برای جلوگیری از هجوم احتمالی دشمن به شهر و بازسازی و مدیریت بیمارستان‌های شری آبادان و خرمشهر کمک به انتقال روستاییان مرزنشین به مناطق امن است. این گروه از جهادگران در واقع پایه گذاران اولیه قرارگاه مهندسی جنگ جهاد در جنوب و غرب و سپس در طول جنگ تحمیلی ایجاد قرارگاه‌های کربلا- نجف- نوح نی - و حمزه سیدالشهدا و قرارگاه برون مرزی رمضان بودند. در این خصوص می‌توان به



از راست: شهید سبین طلوعی، شهید مصطفی طالبی، شهید حسن تاجوک، شهید عبدالله عابدینی

این واقعیت است که او دنبال گمشده‌ای بود و زندگی در شهر و کنج امن، او را قانع نمی‌کرد. جبهه میانی سریل ذهاب در آغازین روزهای دفاع مقدس تا سرزمین شلمچه و آخرین حضورش در مرصاد نشان بی‌قراری او در رسیدن به معشوق بود. حضور و نقش مؤثر شهید طالبی در عملیات «مطلع الفجر» فراموش نشدنی است؛ وقتی تعدادی از رزمندگان در منطقه تنگه کورک و تنگه حاجیان محاصره شدند به کمک رزمندگان ملایر آنها را نجات داد. در امور مربوط به دانش نظامی تحریر ویژه‌ای داشت و به همین دلیل در جبهه ایلام کنار شهید «موسی محمدی» فرماندهی و در سراسر جنگ شناسایی را به او سپردند. با وجود شایستگی و توانایی‌های بالای فردی متواضع بود و با اینکه

می‌توانست عنوان‌های برجسته‌ای بگیرد؛ همراهی با شهید تاجوک در گردان ۱۵۱ مسلم ابن عقیل (ع) ملایر را ترجیح داد. حضور این دو فرمانده شجاع که شب‌هات بسیاری از نظر چشمه و اندیشه به هم داشتند در عملیات کربلای ۵ با پیکر مجروح، اوج اخلاص و عزم راسخ شان را در رویارویی با دشمن یعنی می‌رساند. حضور این دو سردار رشید در شهرک «دوعلیج» عراق سبب قوت قلب رزمندگان ملایر شده و توانستند به خوبی در برابر دشمن استنادگی کنند. حضور در منطقه ماووت و ارتفاعات «گرده رش» آخرین عملیات مشترک حاج حسن و حاج مصطفی بود و حاج حسن در این منطقه، گوی سبقت را از بار دیرینش روداد آسمانی شد. مصطفی که داغ یار روزهای سخت جنگ بر قلبش سنگینی می‌کرد و پذیرش قطعنامه جگرش را کش زده بود، صبر پیشه ساخت تا میدان‌داری آن شد. در عملیات اقدام کار کربلای ۵ رزمندگان زیر نخستین گردان آمده و سازمانده شدند در اردوگاه شهید شهبازی گردان رزمندگان ملایر بود که در جاده اسلام آباد - کرمانشاه، نخستین اقدام بارزاردنده بر ضد منافقان را انجام داد. پس از پایان جنگ تحمیلی هم مدتی در دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره دافوس را گذراند و مدتی هم فرمانده لشکر ۴ بعثت شد تا اینکه همواره ریه‌اش شد گرفت و تحمل در زمان شد و پس از شتمل رنج بسیار در آخرین روز از خرداد سال ۱۳۷۴ پر کشید.»